

جلوی روی من است ودولت چک اسلاو که دولت منظمی است منافع خود را اینطور تأمین میکند

آقا سید یعقوب - آقا سه ربع شده است
سلیمان میرزا - بحمدالله مقروض نماندم بهر جهت چون آقا فرمودند که زیاد عرض نکنم لهذا بطور خلاصه عرض میکنم در هر حال باین ترتیب منافع خود را حفظ کرده است و چون آقا فرمودند سه ربع شده است پیش از این آقایان را خسته نمیکند شاید پیش از این هم چیزی نداشتم عرض کنم در هر صورت در چند جا از این امتیاز بنده مخالفت دارم

(یک نفر ازو کلا پیشنهاد کنید)

سلیمان میرزا - بسیار خوب پیشنهاد میکنم ولی در پیشنهاد خودم هم باید توضیح بدهم و برای اینکه آقایان را از توضیح دادن در پیشنهاد راحت کنم این نکته را عرض میکنم که بنده این ماده را که خواندم پیشنهاد میکنم و توضیحات هم همان است که عرض کردم و بنده خیر مملکت را میخواهم یک چیزی هم نیست که بگویند عملی نیست و بنده بجای ماده ۱۲ فصل ۱۵ و ۱۶ و ۲۰ از قرارداد دولت چک اسلاو را پیشنهاد میکنم و از برای اینکه درست ترتیبات فصل هم در اورعایت و ملاحظه بشود تقدیم مقام ریاست میکنم

رئیس الوزراء - من البته نسبت اشکال تراشی و بهانه جوئی بحضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا نمی دهم البته باید در مطالب توضیحاتی داد و یک معلوماتی خواست ولی اینکه مقایسه میفرمائید لایحه پیشنهادی دولتر با امتیاز دولت چک اسلاو برای اینکه مطلب توضیح شود لازم می دانم توضیحاتی را که قبلا در جلسه چهل روز قبل عرض کرده باز خاطر نشان سر کار و الامینمایم حضرت والا مقایسه میفرمائید مواد امتیاز چک اسلاو را باین قانون در صورتی که از یک مسئله غفلت کرده اند والا آن کمیانی که از چک اسلاو امتیاز گرفته این کمیانی نیست چنانچه عرض کردم کمیانی استاندارد در امریکا ۳ کمیانی است و کمیانی که می خواهد از ایران امتیاز بگیرد استاندارد اوایل و آندیکری که از دولت چک اسلاو امتیاز گرفته استاندارد نیوجرسی است و نظر باینکه آن کمیانی در اروپا یک تاسیساتی دارد و نزدیک تر است شاید یک منافع زیادتری به دولت داده باشد آن ملاحظات در پیشنهاد امتیاز استاندارد اوایل نیست یک مطلب دیگری که خواستم عرض کنم این است که آقایان دو امتیاز را مقایسه نکنند و این دو مطلب را منظور نظر ندارند مطلب دیگر که لازم بود عرض کنم این است لوایچی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می شود فلسفه اینکه به

کمیسیون می رود باید بدانند چیست برای این است که در کمیسیون در مطالب دقت و تحقیق شود و مطالب خوب حلایچی شده و اگر يك اشتباهاتی هست رفع شود و اگر توضیحاتی لازم است از دولت بخواهند و مطلب ساخته و پرداخته به مجلس بیاید که وقت مجلس زیساد نگذرد

در کمیسینی که برای مطالعه امتیاز فقط تشکیل شد بعضی از آقایان تشریف داشتند از جمله شاهزاده سلیمان میرزا بودند که حالا در نظرم نیست موقمی که در ماده دوازده مذاکره میشد ایشان حضور داشتند یا نداشتند البته خودشان بهتر می دانند ولی آقایانی که حضور داشتند آلا حاضر هستند بنده تصور می کنم و اینطور بغاطر دارم که اگر در این ماده تمام جلسه صرف وقت نشده لابد دوساعتی صرف وقت شده و توضیحات داده شد و اعضاء کمیسیون هم متقاعد شدند و باتفاق آراء رأی دادند حالا نمی دانم که شاهزاده سلیمان میرزا هم بوده و رأی داده اند یا نه؟

البته خودشان می دانند و همینطور نسبت بسایر مواد ۱۰ و اگر بنا شود لوایچی که در کمیسیون می رود و در آنجا مذاقه و مطالعه شده و بالاخره باتفاق رأی داده شود بعد به مجلس آمده مورد مباحثات طولانی واقع شود البته باین طور هیچ امتیاز و هیچ قانونی از مجلس نمی گذرد پس به عقیده بنده بهتر این است يك مطلب دیگری به طور وضوح گفته شود که آیا مقصود امرار وقت است یا تصویب امتیاز؟

اگر تصویب این امتیاز است البته آقایانی که در کمیسیون بوده اند میتوانند با من کمک کرده و مدافعه و توضیحات بدهند که زودتر بگذرد و آقایانی هم که توضیحات بیشتری میدهند و می خواهند مباحثات طولانی بکنند خوب است در مقابل رعایت

گذشتن این امتیاز را بکنند و بمختصر جواب قناعت نموده و بادولت همراهی کنند که زودتر این امتیاز بگذرد و اگر هم نظر مجلس این است که این امتیاز را رد کند و تصویب نشود آنهم موضوع دیگری است و بنده هم هیچ اصراری ندارم

بنده آوردن این امتیاز را بمجلس بعقیده خودم یک خدمت بزرگی بمملکت میدانستم این بود که آوردم و اصرار کردم و استمداد نمودم که آقایان در این باب موافقت بفرمایند و برای خیر و صلاح مملکت تصویب کنند

ولی البته در صورتیکه مجلس مخالف باشد اصراری ندارم بنده باید عقیده خود را تعقیب کنم تا اینکه پیشرفت کند ولی وقتی که می فهمم مجلس موافق نیست و يك کلمه بشنوم که مجلس این قانون را تصویب نمیکند

آنوقت باشخاص داوطلب خواهم گفت که دولت بتکلیف خودش عمل کرده و بمجلس فرستاد بالاخره بعد از این مذاکرات و مباحثات طولانی مجلس رأی نداد و قبول نکرد که این امتیاز را بدهد اگر اینطور است زودتر تکلیف معین شود بهتر است و اگر واقعا توضیحات لازم است ممکن بشکل دیگری قضیه حل شود اولاد همین حال که لایحه دولت در مجلس مطرح است ممکن است کمیسیون امتیاز در ساعات معین تشکیل شده و اعضاء حاضر شوند اگر نواقصی در امتیاز هست از دولت توضیح بخواهند و اگر اشتباهاتی هست رفع شود که امتیاز بمجلس بیاید و زودتر بگذرد یا اینکار را بکنند یا اینکه همان کمیسیون امتیاز را تشکیل دهند و چون وقت من هم یک قدری مضیق است ممکن است من هم حضور پیدا نکنم

ولی يك اشخاص متخصص رامی فرستم که وارد مذاکره شوند و نسبت بتوضیحاتی که بعضی از آقایان می دهند يك اطلاعات کافی بآقایان بدهند که تکلیف این امتیاز معلوم شود گمان می کنم اگر باین ترتیب کمیسیون تشکیل شود و من هم یکی دو نفر را بفرستم باحضور تمام آقایان اعضاء کمیسیون تمام مواد را تحت مطالعه در آورده و توضیحات داده شود و اگر آقایان اشتباهی دارند رفع شود مطلب معلوم میشود و خواهند گفت که این امتیاز را مجلس می دهد یا نمی دهد تصور میکنم اگر تصویب کنید که همان کمیسیون سابق تشکیل شود و من هم یکی دو نفر با آن ترتیبی که عرض کردم بفرستم این مطلب در ظرف چهار پنج روز معلوم می شود که این امتیاز از تصویب مجلس خواهد گذشت یا نه؟

در صورت اخیر البته من هم بآقایان زحمت نخواهم داد که آقایان بی جهت وقت خود را صرف اینکار نکنند

نایب رئیس - اگر مذاکرات کافی است پیشنهادات خوانده شود

سلیمان میرزا - بنده در مطالب سوء تفاهم شده باید يك توضیح بدهم

نایب رئیس - می خواهید بیانی بفرمائید بفرمائید ولی اسمش را توضیح نگذارید

سلیمان میرزا - آنچه که اینجا فرمودند مقصود بنده را اینطور تفسیر نمودند که من نمی خواهم لایحه بگذرد و مذاکرات طولانی می نمایم بنده عرض میکنم خیر اینطور نیست زیرا که بنده می بینم مسئله ای است برای پنجاه سال دیگر این مملکت بنده می بینم ما داریم نصف اراضی صاصل - خیز ولایات و ایالات خودمان را در او یک قیودی و شرایطی قائل میشویم و بنده عقیده ام آزاد است و در هر ماده هم اگر يك روز وقت مجلس را صرف کنیم ضرر نکرده ام زیرا تا پنجاه سال بعد گرفتار نخواهم بود این بود عقیده بنده و این مسئله محتاج به

تکرار نیست که در کلیات دادن امتیاز موافق هستم (ما باین مواد که بر ضرر مملکت است مخالفیم)

پیشنهادی که راجع به عودت لایحه بکمیسیون فرمودند اختیار باخودشان است که در حقیقت تقاضای ارجاع لایحه را به کمیسیون نموده اند حالا نمی دانم بنده بد ملتفت شده ام یا خیر

رئیس الوزراء - تقاضای ارجاع لایحه بکمیسیون نبود عرض کردم در همین حال که لایحه در مجلس تحت مطالعه هست ممکن است کمیسیون جدید اعضاء خود را معین که عملیات خودش را تعقیب کند و اگر توضیحات لازم شد آن دو نفر کاملا توضیح بدهند تا رفع اشتباه بشود و راجع بتوضیحات مفصلی که شاهزاده سلیمان میرزا دادند البته بایشان حق می دهم زیرا موضوع خیلی مهم و لازم است کاملا در آن مذاکره شده تا بخوبی مطلب روشن شود و من هم نگفتم حضرت والا مخالف دادن امتیاز هستند ولی چون نمایندگان کمیانی هم قریب يك سال است معطل و منتظر تکلیفند خوب است زودتر تکلیف آنها معین شود و حرف آنها این است که شرایطی را که می خواهید بما تحمیل کنید همین ها است که پیشنهاد کرده ایم و خوب است جزئی اصلاحی را که خواهید کرد بکنید و زودتر معلوم کنید که این امتیاز را خواهید داد یا نه؟

نایب رئیس - اگر در اطراف ماده دوازدهم مذاکرات کافی است پیشنهادات خوانده شود

(جمعی گفتند کافی است)

(پیشنهادات امین التجار و محمد علی مافی بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ بعد از جمله عوارض و رسومات و مالیات و گمرک اینطور نوشته شود (تا زمانیکه قانون مخصوص برای این قبیل کمپانیها و شرکتهای وضع نشده معاف خواهد بود پیشنهاد می نمایم قسمت اول ماده ۱۲ الی جمله کلیه ملزومات حذف شود

(محمد علی مافی)

نایب رئیس - چون خیلی از ظهر گذشته است جلسه را ختم میکنیم دستور جلسه آتیه ماده ۱۳ امتیاز نفت شور در کل سرخ جزایر هرمز

(مجلس ده دقیقه از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤنمن الملك

صورت مشروح مجلس يوم سه شنبه هیجدهم برج جدی ۱۳۰۱ برابر ۲۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس يوم یکشنبه ۱۶ جدی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - در صورت مجلس فرمایشی هست؟ آقای آقامیرزا شهاب الدین (اجازه)

میرزا شهاب الدین - بنده در ضمن عرایض خود تقاضا کردم از طرف مجلس شورای ملی بدولت تذکر داده شود که بامورین خودشان دستور بدهند که برخلاف نص صریح قانون اساسی وارد منازل مردم نشوند و در صورت مجلس یادداشت نشده چون لازم است خوبست نوشته شود

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده در جزء دیر آمدگان بی اجازه نام برده شده ام در صورتیکه قبلاً استجازه کرده بودم نمی دانم بچه مناسبت بی اجازه نوشته اند

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم این مسئله را به آقایان تذکر بدهم که هنوز اجازه نامه آقای حاج میرزا علی محمد را بکمسیون نیاورده اند و کمسیون عرایض تصیم گرفته است که وقتی آقایان در جلسه حاضر شدند اگر اجازه خواستند داده شود لکن قبل از تشکیل جلسه را در نظر ندارند بواسطه اینکه جماعتی از آقایان این جا معطل می شوند و عده برای تشکیل جلسه کافی نمی شود اینست که کمسیون تصیم گرفته قبل از تشکیل جلسه را اجازه ندهد چون بواسطه نیامدن چهار یا پنج نفر تمام نمایندگان باید معطل شوند و این تصیم را هم بفرد آقایان ابلاغ نموده ایم که اول جلسه هر طور هست اگر کاری هم داشته باشند تشریف بیاورند بعد اگر کار لازمی داشتند اجازه بگیرند و آقایان هم اجازه داده نشده است این بود تصیم کمسیون عرایض و مرخصی که بعرض آقایان رساندم حالا اگر موافقت که زودتر جلسه تشکیل شود جدیدی کنند و این تصیم کمسیون را بموقع اجرا گذارند.

نایب رئیس - این مسئله است علی حده و مربوط بصورت مجلس نیست آقای دولت آبادی اگر اطلاع داده اند البته ملاحظه می شود لیکن مسئله که آقای آقا سید یعقوب فرمودند جدا گانه است و کمسیون باید وظیفه خودش را انجام دهد. آقای شیخ الاسلام در صورت جلسه فرمایشی داشتید؟

شیخ الاسلام - بلی: آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی را غایب بی اجازه نوشته اند در صورتی که حادثه برای ایشان اتفاق افتاده بود که نتوانسته اند حاضر شوند

نایب رئیس - اینها وظیفه کمسیونست در صورتی که عذر داشته باشند البته منظور میشود آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده قبلاً استجازه کرده بودم کمسیون هم تصویب کرده بود حالا این تصیم کمسیون منطقی است یا غیر منطقی و می شود اجرا کرد یا نه کاری ندارم و راجع بخود کمسیونست و الا اشخاصیکه عذر موجه دارند و نمی توانند بیایند چه باید بکنند.

در هر حال بنده خصوصاً استجازه کرده بودم کمسیون هم تصویب کرده است.

نایب رئیس - باید این تصیم کمسیون بنحوی ابلاغ شود که همه آقایان مسبوق شوند

آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - بنده راجع بفرمایش آقا سید یعقوب عرض میکنم

نایب رئیس - آقا صورت مجلس مطرح مذاکره است در صورت مجلس دیگر فرمایشی نیست؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد راجع بفرمایش آقای آقامیرزا شهاب الدین هم در صورت مجلس نوشته شده جداً از این مسئله جلوگیری شود و این عبارت مقصود ایشان را کاملاً میرساند گویا ایراد ایشان وارد نباشد.

آقامیرزا شهاب الدین - بنده تقاضا کردم که واضعتر نوشته شود ضرری ندارد

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده گاهی می بینم يك مشت جرائد مجانی بهر کس داده یا برایش فرستاده می شود برای بنده هم می فرستند امروز دیدم يك روز نامه مجانی برای من رسید و من خیلی ممنون شدم از آن مدیر روزنامه که برای خدمت به عامه حاضر شده از کیسه فتوت خویش روزنامه طبع می کند و بما میدهد که بر اطلاعات ما افزوده شود دیدم روزنامه اعتراضاتی بر بنده کرده است که چرا در موضوع لشت نشا تقاضا کرده يك حکومت یعنی مأمور و نماینده دولت برای آنجا معین شود و از سایر مسائل از قبیل مظالم جهان شاه خان که مدت سی سال است تمام اهالی بیچاره خسته را با خاک یکسان نموده و بعوض مالیات چندین ساله سر نیزه تحویل می دهد و چه وجه؟

سؤال نکردی.

(جمعی از نمایندگان)

خودمان خوانده ایم (بنده حالا که آقای قوام السلطنه تشریف آورده اند میخواستیم مطالب سابق خود را تجدید کنم که اظهارات يك نفر نماینده در مجلس و تقاضای تعیین يك نایب الحکومه برای يك محل مورد تنقید و اعتراض نیست بنده اطلاعاتی از حقانیت عارضین و شکایاتشان یا حقانیت طرف آنها ندارم آنوقت

روزنامه های مجانی مرا طرف حمله قرار می دهند که شما چرا به دولت اعتراض می کنید چرا يك نایب الحکومه برای فلان جامعین نکرده اید و اهالی يك نقطه را بلا تکلیف گذاشته اید.

ما هم که سؤال می کنیم آقایان وزراء جواب نمی دهند.

چنانکه در چند جلسه قبل گویا نظر آقایان باشد که آقای شیخ الاسلام و آقای سدید الملك و شاهزاده سلیمان میرزا در بعضی موضوعات سؤال کردند آقای قوام السلطنه اینجا نشستند و تماشا کردند و بعد تشریف بردند و جواب هم ندادند خواستم بیرسم که آقای قوام السلطنه ازین جراید مجانی اطلاع دارند که خرجشان از کجا می رسد؟

درین روزنامه می بینم بهمه کس حمله شده است و خیلی از نمایندگان را طرف خطاب قرار داده غیر از اعضاء دولت حاضر و رئیس الوزراء حایه و الارئیس الوزراء سابق و اسبق و آینده تماماً مورد اعتراض و حمله واقع شده اند.

جمعی از نمایندگان - چرا رئیس الوزراء حایه را هم نوشته است.

حائری زاده - بنده چیزی راجع برئیس الوزراء حایه ندیده ام فقط يك جا دیدم که نوشته چرا در مجلس مخالف حکومت حاضر صحت می کنید مثلاً نوشته:

مطابق اطلاعاتی که مغیر ما حاصل کرده است بعضی هنگامه جویان و آشوب طلبان که از مجلس نشر کرده است منتظر وقتی هستند که عنوان را تغییر داده آتش فتنه در تمام مملکت روشن نمایند در صورتیکه موقعیت پیدا نکنند و فوراً زمامدار جدیدی عرض اندام نمایند و کابینه خود را الی آخر.

این مطالبی که درین روزنامه بنده اعتراض کرده حق دارد زیرا بنده غریب بودم اطلاعی نداشتم و همین را موضوع سؤال قرار می دهم که آقای قوام السلطنه جواب بدهند:

محاسب چندین ساله جهان شاه خان چه شده است و چرا رسیدگی نمی شود؟ شنیده ام که تخفیف مالیاتی هم باور داده شده است.

چرا داده شده است؟

یکی دیگر هم در چند روز قبل شنیده ام و نمی دانم با اجازه کی بوده است که جد مرحوم کلنل محمد تقی خان را از قبر بیرون آورده و برده اند در صحرای انداخته اند و شنیده ام اینکار بدستور رئیس دولت شده و من چون خودم باین کابینه اعتماد ندارم وعده زیادی هم از کلاهی محترم ملت باین کابینه اعتماد ندارند میخواستیم بگویم که شما در مسائل حیاتی مملکت اقداماتی می کنید که حقیقتاً تاریخ مملکت را تاریک و سیاه

می نمایند می شنویم که از این قبیل اقدامات زیاد میشود.

مثلاً پول بمعلمین مدارس داده نمی شود و روزنامه مجانی برای اشخاص می فرستند و این روزنامه حمله می کند با شخصی که ادای تکلیف میکنند و سؤال می کنند که چرا فلان محل نایب الحکومه ندارد.

آنوقت این اشخاص مورد تنقید و حمله و اعتراض واقع می شوند.

ولی برای آن رئیس دولتی که موجد این بدبختی است (و جواب این سئوالات را باید او بدهد و در مجلس حاضر می شود و جواب نمی دهد) اظهار تأسف می کند که:

گویا خیال کناره گیری کرده اند و يك عده هنگامه جو و آشوب طلب بر ضد او قیام کرده اند خواستم این مسئله را با آقای قوام السلطنه تذکر بدهم که ما در مجلس قانونی برای محاکمه جراید و مجازات آنها نوشته ایم.

ولی متأسفانه هیئت منصفه نیست که آنها را در تحت محاکمه آورد و در جلسات عیدیه تقاضای خودشان را تجدید کرده اند تا لایحه از مجلس گذشت.

بعد از گذشتن آن لایحه یک عده جراید مجانی که برای همه کس فرستاده می شود آزاد مانده اند و یک عده جراید دیگر بدون محاکمه توقیف میشوند اگر چه می دانم این مسئله هم مثل سایر مسائل بلا جواب می ماند ولی بنده بر حسب تکلیف عرض می کنم که آقای قوام السلطنه طرف اعتماد ما و ملت ایران نیستند.

(همه بین نمایندگان)

جمعی از نمایندگان - توهین می کنید ایشان نیست و طرف اعتماد ملت ایران است.

آقا سید فاضل - آقا ما هم نماینده ملت ایران هستیم شما از طرف خود حرف بزنیدنه از طرف ملت ایران.

جمعی از نمایندگان - ما اعتماد داریم چطور از جانب ملت شما اعتراض می کنید از طرف خودتان حرف بزنید.

امیر ناصر - این مرجع و مرج طلب کی است؟

آقا سید یعقوب - آقا شما تقی زاده نمی شوید.

محمد هاشم میرزا - ما اعتماد داریم شما ندارید از جانب خودتان بگوئید

حائری زاده - پس از این حملات و هاهو و داد و بیداد ها عرض می کنم اگر آقای رئیس دولت يك بكفش خویش ندارد جواب بدهد و علت اینکه یک عده از جراید که با شخصیکه بتکلیف خودشان عمل کرده اند حمله میکنند محاکمه نمی شوند و

عده دیگر بدون مجامعه و رسیدگی توفیق میشوند چیست؟

نایب رئیس - اگر اجازه می فرمائید داخل در دستور شوم.

(گفته شد صحیح است)

دستور امروز اولاً شوردر امتیاز نفت از ماده سیزدهم.

(ماده سیزدهم را آقای امیرناصر

شرح ذیل قرائت نمودند)

ماده سیزدهم - حق ساختن و بکار انداختن و نگاهداری Contretien اوله

های لازم و مشب آنها برای نقل و حرکت برای صاحب امتیاز ملحوظ است که با انتخاب مهندسین

خود محل ساختن آنها را از اجائی که یک

یا چند قفله از محصولات منظوره در ماده

(۱) یافت شود معین نموده بوسیله آنها آن

مواد را در هر نقطه از نقاط ایران بآنها

نقطه از سرحدات ایران حمل کند مشروط

براینکه کشیدن اوله ها مخالف متدرجات

امتیاز نفتی که دولت ایران در تاریخ ۲۸

مارچ ۱۹۰۱ اعطاء نموده است نباشد

حقوق ذیل نیز برای صاحب امتیاز حاصل

خواهد بود:

ساختن و بکار انداختن و نگاهداری

هر گونه چاهها و انبارها و ایستگاهها و

دستگاههای تلمبه برای تحصیل و جمع آوری

و حمل و نقل گازهای طبیعی و نفت و غیره

موم معدنی و همچنین ساختن بندر و اسکله

ها و ابنیه و خانه ها و کارخانجات تصفیه و

راههای اربابرو و راه آهن مخصوص برای

حمل اجزاء و لوازم و محصولات نفت و

تراوای و خطوط تلفن و تلگراف و دستگاه

های الکتریک و سیمهای نقاله و تأسیس هر

گونه مؤسساتی که برای اجرای مقررات

امتیاز در ایالات و ولایات خمس لازمست

مشروط براینکه:

اولاً بهیچ نوع تأسیساتی جز برای

حوایج اقتصادی که مختص اجرای امتیاز

باشد مبادرت نشود.

ثانیاً حق تأسیس راههای آهن و

شست و تراوای که به صاحب امتیاز داده می

شود مزاحم راههای موجود نبوده از راه

های دیگر که من بعد تأسیس می شوند جلور

گیری ننماید.

ثالثاً طرح و نقشه های ابنیه و وضعیت

کلی کارخانجات تصفیه و واکنشهای راه آهن

و خطوط تلگراف و تلفن و اوله های بزرگ

و بندرها و نقاط انتهائی آنها و وسائل دیگر

و سواد نقاشات و رایرهای متخصصین

معرفت الارضی صاحب امتیاز و مهندسین

او که مأمور نقشه برداری و اکتشافات راجعه

بامتیاز هستند از طرف صاحب امتیاز باید

بدولت تقدیم شود

تبصره ۱ - حمل و نقل مواد نفتی در

صورتیکه در خارج از راهها و تأسیسات

خصوصی صاحب امتیاز باشد از حق العبور

مستحق است

قانونی راهها معاف نخواهد بود

ب - تلگراف و تلفن فوق الذکر باید

با خطوط تلگراف و تلفن عمومی اتصال

نداشته باشد

ج - هر نوع تأسیسات بندری که

صاحب امتیاز بنماید تابع مقررات داخلی

مملکت ایران خواهد بود

نایب رئیس - آقای کازونی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازونی - عرضی

ندارم.

نایب رئیس - آقای زنجانی

(اجازه)

زنجانی - این ماده چون خیلی مفصل

و مطالبش کلی است بنده در چندین جایش

نظر دارم و تا اکنون هم چندین مرتبه عرض

کرده ام که با کمال میل و شوق و شغف برای

گذرانیدن این لایحه سعی دارم و هر قدر هم

زودتر بگذرد بهتر خواهد بود معذرت باید

دقت کرد

چون ما متخصص نداریم و از جاهای

دیگر هم اطلاع پیدا نکرده ایم پریروز

آقای رئیس الوزراء هم فرمودند که کمیانی

نفت هم عجله دارد و من نه دانستم که هر

دو کمیانی اینجا نماینده دارد بهر حال عجله

آنها سبب نمی شود که ما هم بدون مطالعه و

دقت تصویب کنیم

مثلاً درین ماده نوشته است حق ساختن

و بکار انداختن و نگاهداری لوله های لازمه

و شش آن

معلوم است مقصود از لفظ نگاهداری

گوا یا ایستگاه اگر لوله خراب شد ترمیم کند

و نگاهدارد که از انتفاع نیفتد نه این که

مستحفظ برای نگاهداری آنها بگذارند

مثلاً لوله هائی کشیده شده و خط دارد

که مبادا خراب بکنند حق دارد آنها را

نگهداری کند همچنین بناهایی که کرده

است نگهداری نماید یعنی نگذازد خراب

شود و یا اگر فلان لوله شکست آنرا بر

دارو و یکی دیگر بگذارند

گمان میکنم مقصود از لفظ نگاهداری

این باشد نه اینکه مستحفظی از جانب

خودش بگذارند که کسی نباید آنها را

خراب نماید خیر این چیز دیگر است

مستحفظ گذاشتن بادولت است منتهی

خرجش به عهده کمیانی است و این مطلب

در لایحه توضیح داده نشده و اگر توجه

بکنند این ماده مورد اشکال خواهد شد

و کمیانی می گوید من حق دارم از جانب

خود مستحفظین بگمارم و این مطلب صحیح

نخواهد بود و باید ذکر شود مراد از نگاه

داری حفظ لوله ها و ابنیه است نه مستحفظ

گماردن علاوه بر این در ضمن این ماده

حق داده میشود که این کمیانی در خارج

از حدود این ایالات خمس یا اربعه یا ثلثه

هر چه هست تصرفاتی بکنند و اوله هائی

بکشند ناچار راه آهن و راه شوسه و سیم

نقاله هم داده میشود که بسازد و یک چیزهای

خیلی مفصلی در تحت تصرف این کمیانی

خواهد رفت که خارج از حدود این ایالات

خمس خواهد بود و لابد مسافت طولانی

برای کشیدن لوله و راه آهن و سیم نقاله

خواهد خواست همچنین برای راههای

شوسه و انبار و ساختن اسکله و غیره و بنده

این هارا درین ضمن گنجانیدن صحیح نمی

دانم و اینها چیزهای علیحده است چون

بنده در امتیاز مهمترین امور را برای این

مملکت تعیین راهی میدانم که کمیانی نفت

را از آن راه خواهد برد

خوبست قبلاً معین شود که از کدام

راه میرد از شمال یا از عثمانی یا از بین النهرین یا از

جنوب و من خیلی باین مطلب اهمیت می

دهم که آتراهی را که می خواهد نفت از

آنجا ببرد تعیین کند و دولت باید شرط

نماید که قبل از دادن امتیاز و داخل شدن

در کار راه را معین نماید و داخل کردن

غیر از آن ایالات خمس را درین ماده که

هر جا بخواهد راه آهن بکشد اسکله بسازد

و چه بکند و چه بکند صحیح نمی دانم و باید قبلاً

خط سیر او معلوم شود و الا این مطالبی که

درین ماده نوشته بنظر بنده خوب نیست

که در غیر از ایالات خمس هم حق دخل و

تصرف و کشیدن راه آهن و غیره با سیم نفت

داشته باشد

علاوه بر این منافاتی هم بین اول ماده و

آخر ماده هست

از اول چنین فهمیده می شود که

صاحب امتیاز حق دارد از هر نقطه لوله

بکشد بهر جا که منتهی

شود خواه خارج از حدود ایالات خمس باشد

و خواه داخل آن ولی در ساختن راه آهن

و راه شوسه و سایر چیزها فقط حدود ایالات

و ولایات خمس را نوشته خوب در صورتیکه

حق میدهد لوله را خارج از این حدود بکشد

ناچار باید حق راه آهن ساختن هم با بدهد

چون هر جا که لوله کشیده میشود باید راه

آهن و استاسیون و اسکله و غیره هم باشد و

اگر حق نمیدهد که از حدود ایالات و ولایات

خمس بخارج لوله بکشد آنوقت این ماده

صحیح است و نیز در این ماده ذکر نشده که

آن اراضی که کمیانی برای لوله کشی و راه

آهن سازی و غیره لازم دارد تکلیفش چه

خواهد بود و یا آن اراضی چه معامله خواهد

شد.

آیا باید خالصه باشد؟ زمین بایر باشد؟

و ابتدا معلوم نیست که در خصوص اراضی

کمیانی با مردم چه خواهد کرد به علاوه درین

ماده نوشته: ثالثاً طرح و نقشه ابنیه و وضعیت

کلی کارخانجات و فلان و فلان باید بدولت

تقدیم شود. از این جمله چنین فهمیده می

شود که خود کمیانی مجاز است بهر جامی

خواهد راه آهن بکشد منتهی یک اطلاع

صوری بدولت بدهد و من این را صحیح نمی

دانم باید اگر می خواهد در حدود ایالات

خمس یا خارج از آن راه آهن یا خطوط دیگری بسازد اول تقاطش را معین کند و نقشه اش را صحیحاً بکشد و بدهد بدولت و با دولت مذاکره نماید شاید دولت آنها معظوری داشته باشد که صلاح ندارند به کمیانی واگذار کند و یک نقطه دیگر را معین نماید دیگر اینکه میگوید طرح نقشه را بدولت فقط صورت میدهد که من اینجا را اختیار کرده ام و درست هم کردم دیگر بدولت حق تغییر و تبدیل و دخالت داده نشده است باید لغو شود آنجا هائی را که خیال کشیدن راه آهن و لوله و غیره دارد باید قبلاً با دولت مذاکره کرده صورت صحیح بدهد اگر دولت صلاح دانست اجازه میدهد و الا جای دیگر را معین میکند.

در جای دیگر نوشته (ج) هر نوع تأسیسات بندری که صاحب امتیاز بنماید تابع مقررات داخلی مملکت ایران خواهد بود) بعقیده بنده باید در تمام این جمل از قبیل ساختن اسکله و راه آهن و خطوط شوسه و هر چه بخواهد بسازد و قید شود که تابع مقررات داخلی مملکت ایران خواهد بود و الا در موضوع ساختن بندر تنها نوشتن این جمله را بنده نمی دانم چه فلسفه دارد اگر لازمست در تمام بنویسند اگر نیست در بندر هم بنویسند در این خصوص هم بنده پیشنهاد کرده ام البته پس از کفایت مذاکرات قرائت خواهد شد.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اگر چه مطابق نظامنامه اصلاحات ضمنی شور اول به کمیسیون ارجاع میشود ولی در موضوع فرمایشات آقای زنجانی راجع به لوله کشی باید عرض کنم در امتیاز نفت جنوب حق لوله کشی را نوشته اند که حالا نمی خواهم داخل آن شوم ولی اینکه کمیسیون این مطلب را قبول کرد برای این بود که ما باید آزادی تجارت را در نظر داشته باشیم و باید حمل و نقل را هم برای تجارت آزاد کنیم که از هر راهی نفت خود را بخواهد خارج کند و مطابق صرفه اش باشد بیرون ببرد.

اما ترتیب لوله کشی مطابق امتیازی که در سابق داده شده است معین شده و راجع به مسئله بندر و اسکله که فرمودند چرا در بندر ذکر تابعیت مقررات داخلی ایران ذکر شده و در سایر مطالب نشده عرض میکنم البته تصدیق خواهند فرمود که بندر آنجا هائی است که باید دولت نظارت تام در آنجا داشته باشد و شاید بعضی ترتیبات باشد که دولت ناچار شود در بندر نظارت تام نماید که مخصوصاً ذکر کردیم بندر در تحت نظر خاص و تام بدولت باشد پس از این جهت بندر را در تحت نظر تام دولت قرار دادیم و مابقی را لازم ندانستیم و معلوم است اگر اصلاحاتی باشد چون شور اول است بکمیسیون فرستاده می شود اگر

کمیسیون صلاح دانست و لازم بود البته اصلاح خواهد شد.

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - در این ماده سیزده اختیاراتی عریض و طویل بصاحب این امتیاز داده که

ارباب کبخیرو - هنوز صاحب ندارد

شیخ الاسلام اصفهانی - آخر یکی صاحب می شود زیرا اینجا صاحب امتیاز بنده قیامین خود و خدای خود در این کار از یکطرف البته این معادن را خداوند

آفریده که ما از آن استفاده کنیم هم خودمان هم سایرین، منافعه هم خیلی واضح است. از یکطرف اینجا چیز هائی دیده میشود که بهیچ عقلی نمیرسد مثلاً در این ماده ضوری اختیارات باین صاحب امتیاز داده شده است که می تواند از شمال ایران تا جنوبش لوله کشی کند و این

چیزی نیست که باور کردنی باشد که یک کمیانی فقط محض تجارت و کاسبی بیاید سی میلیون لیره خرج کند و از شمال به جنوب ایران لوله بکشد تا آنوقت نفتی هم که می خواهد ببرد صد پانزده کسر کند یعنی این مطلب تازه نیست که لوله کشی از شمال به جنوب ایران تقریباً سی میلیون لیره خرج دارد و نفتی هم که بخواهد از شمال به جنوب ایران ببرد صد پانزده کسر میکند و بنده می خواهم اطلاعات حاصله اخیر را خدمت آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم مثل اینکه در کنفرانس لوزان که از برای حل قضایای معطله دنیا تشکیل شده است گفتگوی نفت است یا اینکه دولت روسیه اخیراً امتیازی از نفتهای باد کوبه داده است بمقابل صدی هشتاد که خود ببرد یا اینکه بعضی علمای اقتصادی نفت تشخیص داده اند تا بیست و چهار سال دیگر نفت در روی زمین نیست و البته آقای آقا سید یعقوب خواهند فرمود که این مطلب را در شور کلی باید گفت. بنده هم درین ماده سیزدهم عریضی که دارم عرض میکنم بنده در شور ماده پنجم از آقای مغیر سؤال کردم که آیا تمام این اراضی که مطابق ماده پنج و یازده و سیزده بکمیانی صاحب امتیاز داده میشود بر روی هم صد پانزده میشود یا همان اراضی که مطابق ماده پنج تقدیم میشود و وارضیکه مطابق ماده یازده و سیزده داده می شود علاوه بر آن صد پانزده است که در ماده پنجم ذکر شده؟

ایشان در جواب بنده بطور قطع فرمودند که خیر تمام اراضی که بکمیانی تسلیم میشود صد پانزده است و علاوه ندارد و این ماده آن اظهارات ایشانرا تکذیب میکند بواسطه اینکه در اینجا نوشته شده است:

مشروط براینکه کشیدن لوله ها مخالف

کمیسیون صلاح دانست و لازم بود البته اصلاح خواهد شد.

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - در این ماده سیزده اختیاراتی عریض و طویل بصاحب این امتیاز داده که

ارباب کبخیرو - هنوز صاحب ندارد

شیخ الاسلام اصفهانی - آخر یکی صاحب می شود زیرا اینجا صاحب امتیاز بنده قیامین خود و خدای خود در این کار از یکطرف البته این معادن را خداوند

آفریده که ما از آن استفاده کنیم هم خودمان هم سایرین، منافعه هم خیلی واضح است. از یکطرف اینجا چیز هائی دیده میشود که بهیچ عقلی نمیرسد مثلاً در این ماده ضوری اختیارات باین صاحب امتیاز داده شده است که می تواند از شمال ایران تا جنوبش لوله کشی کند و این

چیزی نیست که باور کردنی باشد که یک کمیانی فقط محض تجارت و کاسبی بیاید سی میلیون لیره خرج کند و از شمال به جنوب ایران لوله بکشد تا آنوقت نفتی هم که می خواهد ببرد صد پانزده کسر کند یعنی این مطلب تازه نیست که لوله کشی از شمال به جنوب ایران تقریباً سی میلیون لیره خرج دارد و نفتی هم که بخواهد از شمال به جنوب ایران ببرد صد پانزده کسر میکند و بنده می خواهم اطلاعات حاصله اخیر را خدمت آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم مثل اینکه در کنفرانس لوزان که از برای حل قضایای معطله دنیا تشکیل شده است گفتگوی نفت است یا اینکه دولت روسیه اخیراً امتیازی از نفتهای باد کوبه داده است بمقابل صدی هشتاد که خود ببرد یا اینکه بعضی علمای اقتصادی نفت تشخیص داده اند تا بیست و چهار سال دیگر نفت در روی زمین نیست و البته آقای آقا سید یعقوب خواهند فرمود که این مطلب را در شور کلی باید گفت. بنده هم درین ماده سیزدهم عریضی که دارم عرض میکنم بنده در شور ماده پنجم از آقای مغیر سؤال کردم که آیا تمام این اراضی که مطابق ماده پنج و یازده و سیزده بکمیانی صاحب امتیاز داده میشود بر روی هم صد پانزده میشود یا همان اراضی که مطابق ماده پنج تقدیم میشود و وارضیکه مطابق ماده یازده و سیزده داده می شود علاوه بر آن صد پانزده است که در ماده پنجم ذکر شده؟

ایشان در جواب بنده بطور قطع فرمودند که خیر تمام اراضی که بکمیانی تسلیم میشود صد پانزده است و علاوه ندارد و این ماده آن اظهارات ایشانرا تکذیب میکند بواسطه اینکه در اینجا نوشته شده است:

مشروط براینکه کشیدن لوله ها مخالف

مندرجات امتیاز نفتی که دولت در تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۰۱ اعطاء نموده نباشد و این اراضی مطابق امتیاز نفت جنوب خارج از حدود ایالات و ولایات خمس است.

در آن امتیاز نفت جنوب اراضی ایالات و ولایات خمس را استثناء کرده و در اینجا ذکر میشود لوله کشیکه می خواهد بکشد باید مزاحمتی با آن امتیاز نداشته باشد و این ماده میگوید که حق دارد در خارج از حدود ایالات و ولایات خمس هم تصرفاتی بکند و علاوه بر صد پانزده اراضی و املاک را تصرف کند در صورتیکه در ماده پنج تصریح شده معلوم میشود که راجع به اراضی جاهای دیگر نیست خلاصه اینکه آنچه از ماده ۵ برمی آید اینست که کمیانی حق ندارد بیشتر از صد پنجاه اراضی منتخبه در حدود ایالات خمس انتخاب نماید و از ماده سیزده استنباط می شود که حق دارد هر جا را با سیمی بگوید متعلق بمن است.

گذشته از این درین ماده سیزده رعایت حقوق ذوی الحقوق نشده است که در باب املاک مردم چه باید کرد:

کمیانی خواست که لوله بکشد بالاخره اوله اش رسید بوسط خانه من یا باغ آقای سهام السلطان یا ملک آقای زنجانی، تکلیف بنده و آقای سهام السلطان و آقای زنجانی چیست؟

در این قانون هیچ تکلیفی برای آن معین نشده و در ماده یازدهم مناقشاتی راجع به این مطلب شد که اگر بنده بخواهم تکرار کنم مجلس مدرس میشود و همیقدر میدانم که بنده در تمام عمرم نه جانی دیده بودم و نه از کسی شنیده که احتکار شرعی مناسبتی با معادن نفت داشته باشد.

احتکار فقط در اوراق عمومی است آنهم فقط در شش چیز: گندم و جو و خرما و مویز و روغن و نمک و فقط در ایام مجاعه نه هر وقت آنوقت هم اختیار قیمت برضایت بایع و مشتریست و در ایام مجاعه این اجناس را نباید احتکار کرد و باید در منظر عامه گذارد تا اگر مشتری آید با ترضیه طرفین خرید و فروش شود.

در هر حال تکرار این مطلب در اینجا ممکن نیست لیکن بنده می خواهم دو مورد را با آقایان تذکر دهم:

یکی اینکه مطالب مذکور در اینجا تنها در مجلس نخواهد ماند و در جراید نوشته میشود و در ولایات داخله و خارجه منتشر خواهد شد و چایچه های دنیا آنرا می بینند و ملاحظه میکنند و مطالب را صراف می کنند فقط در اینجانبان طرف خود را بیک رشته مذاکرات مقهور کنم اگر چه ممکن است صاحب صنعتی بکلی صنعت خود را فراموش کند.

مطلب دوم اینست که فرض کنید این لایحه امتیاز امروز تمام شد و دولت ایران هم

بایک کمیانی خارجه عمل این امتیاز را تمام کرد و کمیانی هم با مأمورین دولت رفتند در یکی از ولایات خمس ریخته در املاک مردم برای اجرای این امتیاز نامه هیچیک هم نمی نشیند که بیابند خانه و ملک و باغ او را تصرف کنند از یک طرف کمیانی این امتیاز نامه را در دست گرفته میگوید با من معامله کرده اید بیابید آنرا اجراء نمائید از یک طرف هم مردم بصد در آمده اند که موافق کدام م

سید الملک - در جلسه قبل آقای رئیس الوزراء اظهار فرمودند اگر آقایان میل ندارند این امتیاز بگذرد خوبست وقت خود را بی جهت تلف نکنند و چیز دیگری هم پیشنهاد نمودند

نایب رئیس - متعلق بماده ۱۳ است؟ سید الملک - بلی و تقاضا کردند

کمیسونی معین شود و اگر آقایان ایرادی دارند در آنجا اظهار نمایند رفع ایرادشان که شد آنوقت لایحه بمجلس بیاید

رئیس الوزراء - اینطور ننگفتم

سید الملک - بعدا اگر فرمایشی دارید بفرمائید. بنده گمان نمی کنم که هیچکس منکر دادن امتیاز نفت شمال باشد و در جلسه (۳۰) عقر ۱۳۰۰ در تحت پنج ماده قانونی گذشت که نفت شمال بکمپانی استاندارد اوایل داده شود،

پس از آن در جلسات ۲۳ و ۲۵ جوزا ۱۳۰۱ ماده پنجم آن قانون اصلاح شد که بکمپانی استاندارد یا کمپانی های دیگر داده شود و همه میل دارند که مسئله نفت از مجلس بگذرد ولی درین قانون بعضی عیوبات هست و بعضی مسائل یافت میشود که بمنفعت اهالی این مملکت نیست؛

درین ماده حق کشیدن سیم تلفن و تلگراف را بصاحب امتیاز واگذار کرده. این قانون از بیستم عقر ۱۳۰۱ بمجلس پیشنهاد شده و نظرم هست که در بیست و سوم اسد از آقای وحید الملک سؤال میشد در خصوص سیمی که کمپانی نفت جنوب از عبادان بمحمره کشیده و از مشهد سلیمان گذرانده وقتی ازدولتی در موضوع چنین کاری سؤال شود آنوقت تعجب میکند که درین امتیاز حق کشیدن سیم تلفن و تلگراف را بصاحب امتیاز واگذار کرده اند در صورتیکه امتیاز تلفن هم قبلا با اشخاص ایرانی داده شده.

خوبست اگر کمپانی بخواهد سیم تلفن بکشد با صاحبان امتیاز تلفن گفتگو کند و همچنین ممکن است سیم تلگراف را خود دولت بکشد که از نقطه نظر سیاست و اقتصاد هم منافعی دارد زیرا اگر اینکار خوب بود ازدولت سؤال نمیکردیم که چرا کمپانی نفت جنوب سیم محمره را کشیده.

علاوه برین من تا اندازه با این قانون مخالفت می کنم زیرا این قانون را عملی نمیدانم؛

در ماده ۲۳ این قانون مینویسد (هرگاه کمپانی یکی ازین موارد را نپذیرفت پیشنهاد کند که بمجلس بیاید و اصلاح شود) بنابر این این قانون عملی نمیشود.

مثلا در ماده چهارده که بازار تمهیدات کمپانی است مینویسد (صاحب امتیاز بدولت حق خواهد داد که مجانا در موقع احتیاج عمومی از تلفن و تلگراف و غیر آن استفاده کند) اگر اجازه نداد چه خواهد شد؟

بعلاوه آقایان میدانند نفت یکی از مسائل مهمه در بناتست چه از نقطه نظر سیاست چه از نقطه نظر اقتصاد.

زیرا اگر درست ملاحظه بفرمائید میدانند اینکه بین النهرین اهمیت یافته است برای اینکه پنج درده نفت بواسطه معادن موصل و سایر نقاط است.

همین نفت جنوب را مدانید با اینکه امتیازش در دست اتباع دولت انگلیس بود در جنگ بین المللی دولت انگلیس مجبور شد که پنج میلیون از سهام این کمپانی را خریداری نماید و خیلی هم برای او اسباب موفقیت شد چه از حیث بحریه و چه از حیث آسمان بیامی.

خودشان بهتر از بنده اطلاع دارند که نفت یکی از منابع مهمه امروزه دنیاست و ما آن کنج شایگان را از دست دادیم و مثل اطفال يك قرص نان میگیریم.

علاوه برین برای مثل عرض میکنم که در دنیا متخصصینی هستند که در خصوص نفت کتبی نوشته اند که در آنها نوشته شده اگر دولتی بدولت دیگر اعلان جنگ داد آن دولتی که نفت ندارد قبل از شروع جنگ شکست خورده است.

قضیه نفت اینقدر مهم است اینستکه بنده با این امتیاز مخالفم و عقیده دارم بینگی دنیائی ها داده شود نه تنها نفت شمال بلکه سایر معادن هم بآنها داده شود که استخراج کنند ما می بینیم که در قدیم نفت جنوب را باتباع انگلیس داده ایم که صد شانزده از عایدات آنرا بامیدهند تازه ما بعد از بیست و دو سال داریم نفت شمال را هم امتیاز میدهم بصاحبان آنرا و از عایدات با شرایط سنگین تر و حال آنکه شرایط آن اولی خیلی سهلتر است و عقیده ام اینست که درین قانون دقت شود که وقتی چیزی نبینیم و بشیمان شویم.

نایب رئیس - آقای دست غیب.

(اجازه) حاج سید محمد باقر دست غیب - مخالف هستم.

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - مخالفم.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده هم مخالفم نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بیانات آقای سید الملک را اگر خوب توجه فرموده باشید ما را ملزم میکند که زودترین امتیاز را بدهیم زیرا خودشان تصدیق دارند که فقر سراسر مملکت را گرفته و خدای تعالی هم این گنج را برای ما در زیر زمین نهفته ما هم همان عقیده قدیمی که چون خانه پدری است

تغییرش ندهیم بگذاریم باشد. آقا جان! خدای تعالی گنجی شایگان برای ما بودیم نهاده که از آن استفاده کنیم اختیار هم با خودمان است و قدرت هم با ماست این امتیاز را میدهم. . .

نایب رئیس - شما که ملتفت هستید باید در ماده ۱۳ حرف بزنید. آقا سید یعقوب - مگر شما توجه نفرمودید ایشان هم در کلیات گفتگو کردند.

شما اگر اینطرف را ملاحظه میفرمائید آنطرف را هم ببینید نایب رئیس - نسبت با ایشان هم عرض کردم که باید در ماده ۱۳ صحبت نمایند. آقا سید یعقوب - اما اینکه راجع بمشله تلفن و تلگراف عبادان و محمره و مشهد سلیمان مذاکره نمودند آن مسئله تلگراف عمومی بود و خارج از اداره کمپانی که در مجلس یکی از نمایندگان سؤال کرد این تلگراف برای اشخاص مخصوص است و کمپانی نباید تلگراف عمومی داشته باشد و در تبصره این ماده سیزدهم هم ذکر شده که تلفن و تلگراف فوق الذکر باید با تلفنها و تلگراف کمپانی منافات نداشته باشد.

پس اینکه مورد سؤال واقع شد برای این بود که کمپانی تلگراف عمومی قرار داده بود از این جهت کمیسون درین لایحه اینطور قید کرد تا تلگراف از اموال منحصصی خارج نشود و اما اینکه فرمودند دولت امتیاز تلفن و تلگراف را داده است.

آقای ارباب در کمیسون تشریف داشتند و این مسئله را تذکر دادند که دولت سابقا امتیاز تلفن را داده است. اینجا نظرم به منابع خصوصی بودند نه عمومی؛ دولت تلفن عمومی را امتیاز داده اما خصوصی و منابع فردی را امتیاز نداده است و کمپانی ناچار است برای ترتیب اداره خودش تلفن قرارداد دولت هم حق دارد در مواقع حاجت از آن دستگاهها استفاده کند و اینکه گفتند شاید در موقع احتیاج دولت کمپانی مانع گردد؛ آقا دولت مدیر و ناظر کارهای کمپانی است.

روح کمپانی در تحت نظر دولت است چطور کمپانی میتواند اشکال تراشی کند این بود جواب آقایان که عرض کردم معذک اگر پیشنهاد دارند بفرمائید بکمیسون مراجعه میشود تا در محل نظر واقع گردد.

نایب رئیس - آقای دست غیب.

ارباب کیخسرو - بنده بیرون اجازه خواسته بودم.

نایب رئیس - تمام آقایان که از صبح تا حال نطق کردند بیرون اجازه خواسته بودند.

حاج سید محمد باقر دست غیب - گمان میکنم اشکالاتی که در ماده ۱۳ است اولاً يك قسم اشکالاتی است که در ماده ۱۲ بوده است از قبیل مبهم بودن عبارت و وفا نکردن

مدت مدیدی این

مگر دولت ایران اختیار دارد بگوید چرا می گوید این زمین مال مردم است لاقول تصرف نکن جواب می دهد اینجرفها موقوف مهندس من این زمین را اختیار کرده که لوله های بیکار من اینجا بیفتد تو هم حق حرف زدن نداری. دولت هم حق نظارتی ندارد مدت مدیدی این

بمقصود.

اشکال اول را هم همان مبهم بودن عبارتست که در ماده دو از دم بنده آن اشکال را کردم هم شاهزاده سلیمان میرزا اما اشکالی که در ماده سیزده وارد است هرگاه ۲ نفر بایع و مشتری بخواهند در سر چیزی معامله نمایند، مکرر گفته شده باید نسبت بیکدیگر سوءظن داشته باشند هر قدر هم هر دو طرف صحیح العمل باشند. زیرا مشتری طرف نفع خود را باید بگیرد و بایع طرف خود را تا معامله بطور صحیح و خوبی بگذرد، و وقتی که داخل در ماده ۱۲ می شویم نمی فهمم عبارت را چطور ادا کنیم که بجای این بر نخورد مگر اینطور ادا کنیم که تمام اینها بکمپانی واگذار می شود و دیگر برای ایران نفعی از نفت باقی نمی ماند.

اگر آقایان درست بماده ۱۳ ملاحظه کنند تصدیق میکنند که همه چیز را بصاحب امتیاز داده اند و چیزی برای خود ایران نهاده اند و غریب اینکه ناظری هم از طرف دولت معین نشده بلکه مهندس هم از طرف خودش است خانه می سازد بختیار خود و اگر يك زمین صدر ذری را مهندس گفت محتاجم دولت ایران اختیاری ندارد که نظارت کند مهندس کمپانی گفته است و باید بشود. مهندس میگوید ما باید يك اسکله و بندر اینجا درست کنیم کی باستی معین کند کی باید حرف بزنند و بگویند لازم دارد؟ مهندس خودش پس باید ببینیم چقدر ضرر دارد که آدمی میخواهد چیزی بخرد تمام اختیار را بدست طرف بدهد خودش هم میگوید بفروش. این واگذار است نه معامله و مشتری از املاک و اراضی را بصرف اومی میدهد پس دیگر امتیاز لازم نیست و اسم امتیاز دیگر در اینجا غلط است برای اینکه میگویند مهندس از خود حق انتخاب زمین با خودت؛ هر زمین که لازم داری معین کن و بختیار خود لوله بکش خانه بساز مهندس هم خودت معین کن. این واگذاری است نه امتیاز خیلی غریب است (علاوه بر این نگاهداری لوله های لازم و شعب آنها و حفظ هر زمینی که در آن لوله بیفتد).

مثلا از آمریکا یا اروپا یا (هرجا) لوله می آورد جمع میکنند زیر زمین سی ذری پنجاه لوله می گذارد و می گوید اینجا لوله لازم دارم باید بکشم و زمین را تصرف کنم.

مگر دولت ایران اختیار دارد بگوید چرا می گوید این زمین مال مردم است لاقول تصرف نکن جواب می دهد اینجرفها موقوف مهندس من این زمین را اختیار کرده که لوله های بیکار من اینجا بیفتد تو هم حق حرف زدن نداری. دولت هم حق نظارتی ندارد مدت مدیدی این

مصرفه اوست که مهندس حکم کرده؟ گذشته ازین اشکال آقای شیخ الاسلام هم مطابق شرع و مذهب و دیانت اسلام وارد است گرچه آن عبارتی هم که راجع بامتیاز نامه نفت جنوب فرمودند معنا مطابق با شرع نیست

زیرا شرعا مالک در زمین خودش طوری مسلط است که احدی نمی تواند يك وجب از زمین غیرا تصرف کند بهر قیمتی که بخواهد بفروشد مختار است زیرا تصرف شرعی است و شرع نمی تواند بگوید يك زمین پنجگروانی را و لوهزار تومان بگیرد بدون اجازه و رضایت صاحب آن بگیرند ازین هم گذشته می گوید من میخواهم این جا بنائی بکنم

می پرسیم کی می خواهی بنائ کنی می گوید بتوجه يك عمله یا دو نفر مهندس از آمریکا آورده ایم اینجا خانه می خواهیم آن وقت حصار بزرگی دور زمین می کشد و با هم نمی توان گفت تو اینجا لازم نداری ما چرا باید اینطور خود را معطل کنیم آخر ما باید ازین معامله نفعی هم ببریم یا نه؟ مطابق این ماده سیزدهم چه نفع است او برده و چیزی گیر ما نمانده تمام اختیاراتی که دولت ایران و مالکین در اراضی دارند بدست کسی داده میشود که اسمش صاحب امتیاز است و در هر نوع تصرف و دخالتی مختار و آزاد است

این واگذار است نه امتیاز و کلمه به کلمه دارای اشکال فراوان می نویسد؛ حق ساختن و بکار انداختن و نگاهداری لوله های لازم و شعب آنها برای نقل نفت (مثلا عمارتی می سازد که برای نقل نفت لازم دارم و مطابق امتیاز اختیار در دست من است) برای صاحب امتیاز ملحوظ است که بانتخاب مهندسین خود محل ساختن آنها را از جایی که يك یا چند فقره از محصولات منظوره در ماده يك یافت شود (چه خالصه باشد چه مالک داشته باشد چه مال یتیم یا فقیر یا ضعیف باشد چه مال غنی) معین نموده بوسیله آنها آن مواد را در هر نقطه از نقاط ایران یا تاهر نقطه از سرحدات ایران حمل کند مشروط بر اینکه خوب وقتی هم که شرط می آید نفش بکمپانی دیگر عاید است نه بدولت ایران

کشیدن آنها مخالف امتیاز نفتی که دولت ایران در تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۰۱ اعطاء نموده نباشد خوب است يك حقوق مهم است و علاوه بر این حقوق می گوید (حقوق ذیل نیز برای صاحب امتیاز حاصل خواهد بود) ساختن و بکار انداختن و نگاهداری (معلوم می شود این سه لفظ غیاز سه لفظ بالا است) هر گونه چاهها و انبارها و ایستگاهها و دستگاههای تلمبه برای تحصیل و جمع آوری و حمل و نقل گازهای طبیعی و نفت و غیره و موم معدنی و همچنین ساختن بنا در واسکله ها و ابنیه و خانه ها و کارگاه

مصرفه اوست که مهندس حکم کرده؟ گذشته ازین اشکال آقای شیخ الاسلام هم مطابق شرع و مذهب و دیانت اسلام وارد است گرچه آن عبارتی هم که راجع بامتیاز نامه نفت جنوب فرمودند معنا مطابق با شرع نیست

زیرا شرعا مالک در زمین خودش طوری مسلط است که احدی نمی تواند يك وجب از زمین غیرا تصرف کند بهر قیمتی که بخواهد بفروشد مختار است زیرا تصرف شرعی است و شرع نمی تواند بگوید يك زمین پنجگروانی را و لوهزار تومان بگیرد بدون اجازه و رضایت صاحب آن بگیرند ازین هم گذشته می گوید من میخواهم این جا بنائی بکنم

می پرسیم کی می خواهی بنائ کنی می گوید بتوجه يك عمله یا دو نفر مهندس از آمریکا آورده ایم اینجا خانه می خواهیم آن وقت حصار بزرگی دور زمین می کشد و با هم نمی توان گفت تو اینجا لازم نداری ما چرا باید اینطور خود را معطل کنیم آخر ما باید ازین معامله نفعی هم ببریم یا نه؟ مطابق این ماده سیزدهم چه نفع است او برده و چیزی گیر ما نمانده تمام اختیاراتی که دولت ایران و مالکین در اراضی دارند بدست کسی داده میشود که اسمش صاحب امتیاز است و در هر نوع تصرف و دخالتی مختار و آزاد است

این واگذار است نه امتیاز و کلمه به کلمه دارای اشکال فراوان می نویسد؛ حق ساختن و بکار انداختن و نگاهداری لوله های لازم و شعب آنها برای نقل نفت (مثلا عمارتی می سازد که برای نقل نفت لازم دارم و مطابق امتیاز اختیار در دست من است) برای صاحب امتیاز ملحوظ است که بانتخاب مهندسین خود محل ساختن آنها را از جایی که يك یا چند فقره از محصولات منظوره در ماده يك یافت شود (چه خالصه باشد چه مالک داشته باشد چه مال یتیم یا فقیر یا ضعیف باشد چه مال غنی) معین نموده بوسیله آنها آن مواد را در هر نقطه از نقاط ایران یا تاهر نقطه از سرحدات ایران حمل کند مشروط بر اینکه خوب وقتی هم که شرط می آید نفش بکمپانی دیگر عاید است نه بدولت ایران

کشیدن آنها مخالف امتیاز نفتی که دولت ایران در تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۰۱ اعطاء نموده نباشد خوب است يك حقوق مهم است و علاوه بر این حقوق می گوید (حقوق ذیل نیز برای صاحب امتیاز حاصل خواهد بود) ساختن و بکار انداختن و نگاهداری (معلوم می شود این سه لفظ غیاز سه لفظ بالا است) هر گونه چاهها و انبارها و ایستگاهها و دستگاههای تلمبه برای تحصیل و جمع آوری و حمل و نقل گازهای طبیعی و نفت و غیره و موم معدنی و همچنین ساختن بنا در واسکله ها و ابنیه و خانه ها و کارگاه

مصرفه اوست که مهندس حکم کرده؟ گذشته ازین اشکال آقای شیخ الاسلام هم مطابق شرع و مذهب و دیانت اسلام وارد است گرچه آن عبارتی هم که راجع بامتیاز نامه نفت جنوب فرمودند معنا مطابق با شرع نیست

زیرا شرعا مالک در زمین خودش طوری مسلط است که احدی نمی تواند يك وجب از زمین غیرا تصرف کند بهر قیمتی که بخواهد بفروشد مختار است زیرا تصرف شرعی است و شرع نمی تواند بگوید يك زمین پنجگروانی را و لوهزار تومان بگیرد بدون اجازه و رضایت صاحب آن بگیرند ازین هم گذشته می گوید من میخواهم این جا بنائی بکنم

می پرسیم کی می خواهی بنائ کنی می گوید بتوجه يك عمله یا دو نفر مهندس از آمریکا آورده ایم اینجا خانه می خواهیم آن وقت حصار بزرگی دور زمین می کشد و با هم نمی توان گفت تو اینجا لازم نداری ما چرا باید اینطور خود را معطل کنیم آخر ما باید ازین معامله نفعی هم ببریم یا نه؟ مطابق این ماده سیزدهم چه نفع است او برده و چیزی گیر ما نمانده تمام اختیاراتی که دولت ایران و مالکین در اراضی دارند بدست کسی داده میشود که اسمش صاحب امتیاز است و در هر نوع تصرف و دخالتی مختار و آزاد است

این واگذار است نه امتیاز و کلمه به کلمه دارای اشکال فراوان می نویسد؛ حق ساختن و بکار انداختن و نگاهداری لوله های لازم و شعب آنها برای نقل نفت (مثلا عمارتی می سازد که برای نقل نفت لازم دارم و مطابق امتیاز اختیار در دست من است) برای صاحب امتیاز ملحوظ است که بانتخاب مهندسین خود محل ساختن آنها را از جایی که يك یا چند فقره از محصولات منظوره در ماده يك یافت شود (چه خالصه باشد چه مالک داشته باشد چه مال یتیم یا فقیر یا ضعیف باشد چه مال غنی) معین نموده بوسیله آنها آن مواد را در هر نقطه از نقاط ایران یا تاهر نقطه از سرحدات ایران حمل کند مشروط بر اینکه خوب وقتی هم که شرط می آید نفش بکمپانی دیگر عاید است نه بدولت ایران

کشیدن آنها مخالف امتیاز نفتی که دولت ایران در تاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۰۱ اعطاء نموده نباشد خوب است يك حقوق مهم است و علاوه بر این حقوق می گوید (حقوق ذیل نیز برای صاحب امتیاز حاصل خواهد بود) ساختن و بکار انداختن و نگاهداری (معلوم می شود این سه لفظ غیاز سه لفظ بالا است) هر گونه چاهها و انبارها و ایستگاهها و دستگاههای تلمبه برای تحصیل و جمع آوری و حمل و نقل گازهای طبیعی و نفت و غیره و موم معدنی و همچنین ساختن بنا در واسکله ها و ابنیه و خانه ها و کارگاه

مصرفه اوست که مهندس حکم کرده؟ گذشته ازین اشکال آقای شیخ الاسلام هم مطابق شرع و مذهب و دیانت اسلام وارد است گرچه آن عبارتی هم که راجع بامتیاز نامه نفت جنوب فرمودند معنا مطابق با شرع نیست

زیرا شرعا مالک در زمین خودش طوری مسلط است که احدی نمی تواند يك وجب از زمین غیرا تصرف کند بهر قیمتی که بخواهد بفروشد مختار است زیرا تصرف شرعی است و شرع نمی تواند بگوید يك زمین پنجگروانی را و لوهزار تومان بگیرد بدون اجازه و رضایت صاحب آن بگیرند ازین هم گذشته می گوید من میخواهم این جا بنائی بکنم

می پرسیم کی می خواهی بنائ کنی می گوید بتوجه يك عمله یا دو نفر مهندس از آمریکا آورده ایم اینجا خانه می خواهیم آن وقت حصار بزرگی دور زمین می کشد و با هم نمی توان گفت تو اینجا لازم نداری ما چرا باید اینطور خود را معطل کنیم آخر ما باید ازین معامله نفعی هم ببریم یا نه؟ مطابق این ماده سیزدهم چه نفع است او برده و چیزی گیر ما نمانده تمام اختیاراتی که دولت ایران و مالکین در اراضی دارند بدست کسی داده میشود که اسمش صاحب امتیاز است و در هر نوع تصرف و دخالتی مختار و آزاد است

خانیات تصفیه و راههای ازابه رو در راه آهن مخصوص برای حمل اجزاء و ملزومات و محصولات نفت و تراموای و خطوط تلفن و تلگراف و دستگاههای الکتریک و سیمهای نقاله و تأسیس هر گونه مؤسساتی که برای اجرای مقررات امتیاز در ایالات و ولایات خمس لازم است

هیچ چیز برای ما نگذارده اند و همه چیز را بدست او سپارده!

آیا کی این ها را تمیز می دهد؟ مهندسین خودشان که اصلا ربطی بدولت ایران ندارد.

عقیده بنده اینست که در این صورت چنین نکنیم و همینطور واگذار کنیم این بهتر است. اقلا يك سخاوت طبیعی از ایرانیها بروز می کند و میگویند سخاوت دارد اما اینطور که باشد می گویند با ما معامله کرده اند که همه چیز را بماندند و مشروط بر اینکه اولاً بهیچ نوع تأسیسات جز برای حوائج اقتصادی که مختص اجرای این امتیاز باشد مبادرت نه بشود؛ بسیار خوب شرطی است و با معنی است اما معنی این شرط کی است؟ مهندسین دولت ایران که نیست.

باز خودش معنی شرط است و وقتی که بایع بامشتری شرطی کرد و گفت خودت هم مختاری این دیگر شرط نیست و لاشرط است

«تا اینجا حق تأسیس راههای آهن و شوشه و تراموای که به صاحب امتیاز داده میشود مزاحم راههای موجوده نبوده (عجب شرط دل خوش کنکی است زیرا ایران بعقیده بنده راهی ندارد جز يك فرسخ!)»

(آقا سید یعقوب - راه شوشه دارد) آقای سید یعقوب البته تصدیق میفرمائید از نطق نمایم زیرا اهل نطق و خطا به هستم

اگر آدمی بود که رویش باز نشده باشد ممکن از میدان در میرفت ولی من خود را کم نمی کنم اقلا شما طریق استماع را بر مردم بیاموزید که اینطور باید گوش داد در هر حال اینجا نوشته است (مشروط بر اینکه مزاحم راههای موجوده نبوده از راههای دیگری هم که من بعد تأسیس میشود جلوگیری نماید) خیلی خوب؛ راه آهن و شوشه داریم ولی معنی این که باید باشد؛ دولت ایران که حرفی نمیتواند زد زیرا میگوید مطابق ماده سیزدهم حق من است و مهندس من او را بازید کرده پس تمام منافع ایران را بکمپانی واگذار نموده است آنوقت

دیگر حق نظارت و نطق و تکلم خودش را در این باب برداشته حتی طرح ریزی و نقشه کشی و عمارت ساختن هم با خود کمپانی باشد بعلم اینکه ما مهندس نداریم تصدیق می کنیم؛

يك مهندس خوبی که از دارالفنون

اروپا دیلم داشته باشد دولت ایران ندارد حاصل اینکه ما پنج ایالت را بصاحب این امتیاز می دهیم و صد شانزده می گیریم حالا آن طور که آقای آقا سید فاضل می فرمایند که دست غیب حسابگر نبوده است که اینطور حساب کند راستست بنده هم عرض نمی کنم صد سه می پریم ولی چیزهایی که می دهیم صد شانزده ارزش دارد؟

در صورتی که اساساً مقام اسلامیت اجازه نمی دهد که تصرف در ملک غیرا ما جائز دانیم و روا داریم ولی بفرض که مالک را هم راضی کنند باز نمی ارزد زیرا همه چیز داده ایم و صد شانزده می گیریم اگر يك خط تلگراف و تلفن هم در سابق امتیاز داده بودیم از خود سلب می کنیم و تلفن سابق از این موضوع خارج است. اینست که بنده عرض می کنم از همه راه و همه جهت تمام را داده ایم

گذشته از این اشکال آقای زنجانی هم وارد است و باید منظور شود زیرا گفتگوی مستحفظ در این مواد ملحوظ نشده است و لفظ نگاهداری هم لفظی موهم است و بنده پیش از این زحمت نمی دهم.

رئیس الوزراء - بنده بهتر می دانستم همانطور که در جلسه پیرروز حضرت والا سلیمان میرزا فرمودند مطلب بقدری مهم است که اگر در هر ماده يك جلسه هم وقت صرف شود جادار و بنده خیلی مفتتن می دانستم همین ترتیب تا آخر در مجلس رعایت می شد زیرا در ظرف بیست و دو روز بیست و پنج روز این لایحه از تصویب مجلس میگذشت بعضی از آقایان مثل شاهزاده سلیمان میرزا که در کمیسون بوده و اطلاعاتی دارند و مدار کی هم از قبیل امتیاز نامه دولت چك اسلواک در دست گرفته از روی مدرک اعتراض می نمایند و صحبت می فرمایند حق اظهار عقیده دارند ولی آقای دست غیب که در هر جلسه مذاکرات متعددی دارند خواستم بایشان عرض کنم؛ اگر مقصودشان نطق کردن است بقول بزرگان عالم بهترین نقطهها مختصرترین و مفیدترین آنها است و از این جاست که گفته اند خیر الکلام قل و دل اگر غرض این است خوبست که این نصیحت را دوستانه از بنده بپذیرند اگر مقصود توضیح خواستن است ممکن است در خارج مجلس از بنده یا اعضای محترم کمیسون مطلعتر و با خبر از سایر آقایان هستند توضیح بخواهند تا وقت مجلس مصروف نگردد متأسفانه آقای دست غیب این مطلب را در نظر ندارند اول که پای کرسی خطابه تشریف می آورند یک مرتبه ماده را از اول تا آخر می خوانند و بعد کلمه بکلمه توضیح می دهند و بعد یک مرتبه شاید منتقل می شوند که مثلا صاد صاحب امتیاز را از مخرج ادا نکرده اند دوم مرتبه از سر شروع می کنند

و باین ترتیب قانونی از مجلس نمی گذرد در صورتی که خودشان دوروز قبل اظهار کردند اساساً با دادن امتیاز موافق. حالا که موافقت آبا موافق هم هستند که این امتیاز زودتر بگذرد یا خیر؟

این چنان می نماید که مقید بدان نباشد. اگر مقید بزود گذشتن این امتیاز و بیهوده تلف نشدن وقت مجلس باشند خوبست از بنده یا اعضای محترم کمیسون امتیاز در خارج توضیحات بخواهند تا رفع اشکال شود. آقای سید الملک فرمودند که من پیشنهاد کرده ام لایحه برگردد بکمیسون.

بنده آنروز در جواب شاهزاده سلیمان میرزا عرض کردم غرض من این نبود که لایحه برگردد بکمیسون بلکه گفتن برای زودتر گذشتن این قانون منافاتی ندارد که در همین حال که قانون در مجلس مطرح است کمیسون هم تشکیل شود و اشخاصی مطلع تر از خود من هم حاضر شوند توضیحاتی نسبت به مواد بدهند که مطالب در کمیسون کاملاً روشن شود و عقایدی که آقایان دارند اظهار کنند تا اگر کمیسون حاضر است مطابق عقیده آقایان قبول کند قبول می کند و اگر حاضر نیست دیگر اشغال وقت مجلس بدین ترتیب چه ضرر دارد و شما هم در حدود شرایطی که حاضر هستید امتیاز میدهم.

بنده تقاضا می نمایم این پیشنهاد بنده را بپذیرند و کمیسون را تشکیل دهند تا مسائل روشنتر شود و زودتر بگذرد (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند اگر مذاکرات کافی است

پیشنهاد هائی که رسیده قرائت شود؟

(عده قلیلی قیام نمودند) نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست

چون خیلی از ظهر گذشته است اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم؟ دستور جلسه آتی: شور در لایحه گل سرخ جزیره هرمز آقای مساوات در دستور فرمایشی دارند؟

مساوات - خیر در دستور عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - سابقاً روزها تقسیم شده بود دو روز برای بودجه و يك دو روز هم برای لوایح و قوانین و حالا ملاحظه می فرمائید سال قریب باختتام است و اعضاء ادارات بلا تکلیف مانده اند زیرا بودجه ها از مجلس هنوز نگذشته و ناتمام است.

بنده هم عضو کمیسون بودم جدید

بنده هم عضو کمیسون بودم جدید

بنده هم عضو کمیسون بودم جدید

بنده هم عضو کمیسون بودم جدید

هستم و می بینم هنوز بودجه ها نیامده هر چند این بودجه هائی را که از امسال در آن صحبت است میشود لایحه تفریغ بودجه گفت مثلا بودجه عدلیه که کارش را تمام کرده ایم و یک رأی آخری لازم دارد تا تکلیفش معلوم شود ، اگر بهمان ترتیب سابق باشد باید فردا جزء کارهای بودجه باشد و بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافق باشند بقیه بودجه عدلیه جزء دستور شود که لااقل این قسمت بودجه تمام شود .

مسئله دیگری هم هست که از کمیسیون خارجه گذشته و آن مسئله معاهده مصر است که اگر کارش تمام شود تجار از بابت فشار تنباکو که در زحمتشان افکنده خلاص میشوند و گمان نمیکنم آقایان اشکال داشته باشند مثلا همینقدر باید رسمیت پیدا کند که بیاید به مجلس و بنده تقاضا میکنم چون مسئله اقتصادی است جزء دستور شود (صحیح است)

نایب رئیس - چون مخالفی نیست جزء دستور می شود .

آقای تدین

(اجازه)

تدین - عرایض بنده گفته شد

نایب رئیس - آقای مساوات

(اجازه)

آقا سید محمد رضا مساوات - بنده خواستم عرض کنم آقایان خوبست بین پارلمان و اطاق تنفس فرق بگذارند بعضی مذاکرات اینجا میشود که هیچ مناسبت با پارلمان ندارد و بمزاح نزدیکتر است بنده معتقد باین نوع مباحثات در مجلس نیستم و خواهش می کنم بعضی عبارات که این جا گفته میشود نه جراید درج کنند نه تند نویسان

(مجلس سربع بعد از ظهر

بانهجام رسید)

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۲۰۵

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه نوزدهم جدی ۱۳۰۱ مطابق بیست و دوم جمادی الاولی ۱۳۴۱ مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

(صورت جلسه یوم سه شنبه هیجدهم

جدی را آقای امیر ناصر

قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای حائری زاده در صورت

جلسه فرمایشی دارید

حائری زاده - خیر در دستور عرض

داشتم .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام

(اجازه)

شیخ الاسلام - در صورت مجلس نوشته

شده است که من گفته ام قیمت عادله در صورتی